

مسئولیت مدنی با اثبات تقصیر و سببیت محقق می شود

در دعاوی فنی و ارتباطی، صرف وقوع خسارت کافی نیست و باید تقصیر عامل، ارتباط آن با زیان و مبنای قانونی جبران خسارت نیز اثبات شود



مهدی فرح بخش

کارشناس رسمی دادگستری، رشته برق الکترونیک و مخابرات

تحولات پرشتاب فناوری در حوزه

مخابرات، الکترونیک، فیبر نوری، هوش مصنوعی و خدمات نوین ارتباطی، ساختار سنتی روایت حقوقی، مسئولیت مدنی، تعهدات قراردادی و حتی شیوه‌ارزیابی خسارت فنی را دگرگون کرده

است. امروزه شبکه‌های ارتباطی صرفاً ابزار انتقال صوت یا داده نیستند، بلکه به زیرساخت حیاتی اقتصاد دیجیتال، دولت الکترونیک، خدمات بانکی، سلامت هوشمند، حمل‌ونقل، آموزش مجازی، امنیت عمومی و کسب‌وکارهای نوین تبدیل شده‌اند. ازاین‌رو، هرگونه اختلال، قصور، طراحی نادرست، بهره‌برداری غیراصولی یا نقض امنیت در این حوزه می‌تواند آثار حقوقی گسترده‌ای ایجاد کند.

در گذشته، اختلافات فنی مرتبط با مخابرات عمدتاً حول موضوعاتی مانند خرابی خطوط، کیفیت تجهیزات، تداخل فرکانسی، نصب غیراصولی سامانه‌ها یا خسارت ناشی از قطع ارتباط شکل می‌گرفت. اما در شرایط کنونی، با گسترش شبکه‌های فیبر نوری، اینترنت اشیا، سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، مراکز داده، خدمات ابری و پلتفرم‌های ارتباطی، ماهیت اختلافات فنی و حقوقی پیچیده‌تر شده است. اکنون پرسش‌های مهمی مطرح است؛ از جمله اینکه در صورت قطع گسترده خدمات ارتباطی، مسئولیت متوجه کدام شخص یا نهاد است؟ اگر تصمیم یک سامانه هوشمند موجب ورود خسارت شود، مسئولیت حقوقی آن بر عهده طراح نرم‌افزار، بهره‌بردار، مالک داده، ارائه‌دهنده خدمت یا کاربر نهایی خواهد بود؟ در صورت افشای داده‌های مشترک از طریق ضعف امنیتی در سیستم فیبر نوری یا سامانه‌های مخابراتی، چه نوع مسئولیتی قابل تصور است؟

■ **جایگاه فیبر نوری در تعهدات حقوقی نوین** فیبر نوری به‌عنوان ستون اصلی ارتباطات پرسرعت، نقشی بنیادین در توسعه خدمات نوین دارد. این فناوری با ظرفیت بالا، تأخیر کم و پایداری مناسب، بستر لازم برای توسعه هوش مصنوعی، شهر هوشمند، شبکه‌های نسل جدید، خدمات ابری، آموزش از راه دور و پردازش داده‌های حجیم را فراهم می‌کند. بااین حال، توسعه فیبر نوری تنها یک پروژه نیست، بلکه دارای ابعاد حقوقی، قراردادی و مسئولیتی نیز هست. در قراردادهای طراحی، اجرا، نگهداری و بهره‌برداری شبکه‌های فیبر نوری، تعیین دقیق حدود تعهدات طرفین اهمیت فراوان دارد. کیفیت کابل، استاندارد حفاری، نحوه مفصل‌بندی، رعایت حریم مسئولیت، مستندسازی مسیر، تست‌های فنی، تحویل‌گیری پروژه، تضمین کیفیت، زمان رفع خرابی و نحوه جبران خسارت باید به‌صورت شفاف در قرارداد پیش‌بینی شود. آهم‌ام در این موارد می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات جدی میان کارفرما و پیمانکار، بهره‌بردار و مشترک‌ان شود.

از منظر کارشناسی رسمی، ارزیابی خسارت ناشی از قطع یا آسیب به فیبر نوری صرفاً محدود به هزینه تعمیر کابل نیست. گاهی قطع یک مسیر ارتباطی موجب توقف خدمات بانکی، اختلال در سامانه‌های اداری، قطع ارتباط مراکز درمانی، کاهش درآمد کسب‌وکارهای آنلاین یا ایجاد مسئولیت در برابر مشتری می‌شود. بنابراین، تشخیص رابطه سببیت، میزان خسارت مستقیم و غیرمستقیم، حدود مسئولیت قراردادی و نقش قصور یا تقصیر فنی، نیازمند بررسی تخصصی و دقیق است.

■ **هوش مصنوعی و چالش مسئولیت حقوقی** هوش مصنوعی در حوزه مخابرات کاربردهای گسترده‌ای پیدا کرده است؛ از مدیریت هوشمند ترافیک شبکه و پیش‌بینی خرابی تجهیزات گرفته تا تشخیص نفوذ، بهینه‌سازی مصرف انرژی، تحلیل رفتار کاربران، تخصیص منابع شبکه و ارائه خدمات خودکار به مشترک‌ان. این فناوری می‌تواند کیفیت خدمات را افزایش دهد، اما در عین حال چالش‌های حقوقی جدیدی نیز ایجاد می‌کند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعیین مسئولیت در تصمیمات خودکار است. اگر یک الگوریتم هوش مصنوعی به‌اشتباه بخشی از شبکه را از مدار خارج کند، دسترسی مشترکان را محدود سازد، داده‌های نادرست تولید کند یا موجب اختلال در سرویس‌های حیاتی شود، نمی‌توان صرفاً باین استدلال که تصمیم‌آزوسی ماشین اتخاذ شده، مسئولیت انسانی یا سازمانی را منتفی دانست. هوش مصنوعی فاقد شخصیت حقوقی مستقل است و در نظام حقوقی فنی، مسئولیت باید بر اساس نقش اشخاص حقیقی یا حقوقی در طراحی، آموزش، بهره‌برداری و نظارت و کنترل سامانه تعیین شود. ازسوی دیگر، سامانه‌های هوش مصنوعی وابسته به داده هستند. کیفیت،

صحت، جامعیت و مشروعیت داده‌هایی که برای آموزش یا بهره‌برداری از این سامانه‌ها استفاده می‌شود، اثر مستقیم بر عملکرد آن دارد. اگر داده‌های ناقص، آلوده، جانبدارانه یا غیرمجاز وارد سامانه شود، خروجی آن نیز می‌تواند نادرست و خسارت‌زا باشد. بنابراین، در اختلافات حقوقی مرتبط با هوش مصنوعی، بررسی زنجیره داده، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، امنیت پایگاه داده، مدل تصمیم‌گیری، سطح نظارت انسانی و امکان ممیزی فنی اهمیت ویژه دارد.

■ **امنیت داده و حریم خصوصی در خدمات ارتباطی نوین**

در دنیای امروز، داده به یکی از مهم‌ترین دارایی‌های اشخاص، شرکت‌ها و دولت‌ها تبدیل شده است. شبکه‌های مخابراتی و فیبر نوری حامل حجم عظیمی از داده‌های شخصی، مالی، تجاری، صنعتی و امنیتی هستند. هرگونه دسترسی غیرمجاز، افشا، شنود، تغییر، حذف یا سوءاستفاده از این داده‌ها می‌تواند مسئولیت حقوقی، کیفری، قراردادی و انتظامی ایجاد کند. ارائه‌دهندگان خدمات ارتباطی، پیمانکاران فنی، بهره‌برداران شبکه و شرکت‌های فناوری باید اصل امنیت را از مرحله طراحی رعایت کنند. امنیت نباید امری تشریفاتی یا صرفاً پس از وقوع حادثه باشد، بلکه باید در معماری شبکه، انتخاب تجهیزات، کنترل دسترسی، رمزنگاری، مانیتورینگ، پشتیبان‌گیری، ثبت رخدادها و آموزش نیروی انسانی لحاظ شود. در صورت وقوع حادثه، یکی از موضوعات مهم کارشناسی این است که آیا متولی سامانه، استانداردهای متعارف و اقدادات احتیاطی لازم را رعایت کرده است یا خیر. در دعاوی مربوط به نقض امنیت شبکه، کارشناس رسمی می‌تواند با بررسی این‌لاگ‌ها، تویپولوژی شبکه، تنظیمات تجهیزات، مسیرهای دسترسی،



سیاست‌های امنیتی، قراردادهای پشتیبانی و سوابق هشدارها، نقش هر یک از عوامل را در وقوع حادثه مشخص کند. این بررسی برای دادگاه اهمیت اساسی دارد، زیرا تشخیص تقصیر فنی، مبنای تعیین مسئولیت حقوقی خواهد بود.

■ **خدمات نوین و ضرورت بازنگری در قراردادها**

خدمات نوین ارتباطی مانند اینترنت پرسرعت مبتنی بر فیبر نوری، خدمات ابری، مراکز داده، سامانه‌های هوشمند، پلتفرم‌های آنلاین، ارتباطات ماشین به ماشین و اینترنت اشیا، بدون قراردادهای دقیق و شفاف، منشأ اختلاف خواهند شد. در این حوزه‌ها، مفاهیمی مانند سطح توافق خدمات یا SLA، دسترسی‌س پذیری، زمان بازیابی، کیفیت سرویس، مالکیت داده، محرمانگی، مسئولیت در برابر حملات سایبری، فورس مازور فنی، پشتیبان‌گیری و حدود جبران خسارت باید به‌روشنی تعریف شود. بسیاری از اختلافات زمانی ایجاد می‌شود که طرفین قرارداد، تنها به کلیات فنی بسنده می‌کنند و درباره شاخص‌های قابل اندازه‌گیری توافق مشخصی ندارند. برای مثال، اگر در قرارداد ذکر شود که سرویس باید «پایدار» باشد، اما میزان پایداری، درصد دسترسی، زمان مجاز قطعی، روش اندازه‌گیری و ضمانت اجرای عدم کدیلد آن مشخص نباشد، تفسیر قرارداد دشوار خواهد شد. بنابراین، در قراردادهای فناوریانه، رisan فنی و وزان حقوقی باید در کنار هم قرار گیرند.

■ **نقش کارشناس رسمی در حل اختلافات فناوریانه**

با پیچیده‌تر شدن فناوری‌های ارتباطی، نقش کارشناس رسمی دادگستری در رشته برق، الکترونیک و مخابرات اهمیت بیشتری یافته است. قاضی برای صدور رأی عادلانه در پرونده‌های فنی،

نیازمند نظریه‌ای مستدل، روشن، قابل دفاع و مبتنی بر استانداردهای تخصصی است. کارشناس رسمی باید بتواند میان واقعیت فنی و اثر حقوقی آن ارتباط برقرار کند. در پرونده‌های مرتبط با مخابرات، فیبر نوری و هوش مصنوعی، کارشناس صرفاً نباید به بیان اصطلاحات تخصصی اکتفا کند. نظریه کارشناسی باید مشخص کند چه حادثه‌ای رخ داده، علت فنی آن چه بوده، چه شخص یا نهادهی در ایجاد آن نقش داشته، آیا استانداردهای متعارف رعایت شده، میزان خسارت قابل انتساب چقدر است و آیا رابطه سببیت میان فعل یا ترک فعل خوانده و زیان وارده وجود دارد یا خیر.

همچنین در حوزه هوش مصنوعی، کارشناس باید به موضوعاتی مانند قابلیت توضیح‌پذیری تصمیم، داده‌های ورودی، فرایند آموزش مدل، سطح کنترل انسانی، خطای سامانه، رسک‌های قابل پیش‌بینی و کفایت تدابیر نظارتی توجه کند. آینده دعاوی فنی به سمتی می‌رود که کارشناسی سنتی تجهیزات، جای خود را به کارشناسی ترکیبی سخت‌افزار، نرم‌افزار، داده، شبکه و حقوق فناوری خواهد داد.

■ **ضرورت تدوین مقررات تخصصی و استانداردهای مسئولیت**

یکی از نیازهای جدی کشور در عصر فناوری‌های نوین، تدوین و به‌روزرسانی مقررات تخصصی در حوزه مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات هوشمند، اپراتورها، پیمانکاران شبکه، مراکز داده و توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی است. قوانین عمومی مسئولیت مدنی و قواعد قراردادی همچنان قابل اعمال هستند، اما پیچیدگی فناوری‌های جدید ایجاد می‌کند که چارچوب‌های دقیق‌تری برای تعیین مسئولیت، حفظ داده، امنیت شبکه، کیفیت خدمات و جبران خسارت تدوین شود. توسعه فناوری بدون نظام مسئولیت‌پذیری، می‌تواند موجب وابستگی عمومی نشود. ازسوی دیگر، سخت‌گیری غیرمنطقی نیز ممکن است نوآوری را محدود کند. بنابراین، راه‌حل مناسب، ایجاد توازن میان حمایت از نوآوری و حمایت از حقوق اشخاص است. این توازن با مقررات شفاف، قراردادهای دقیق، استانداردهای فنی، نظارت مؤثر و کارشناسی تخصصی قابل تحقق است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت مخابرات، فیبر نوری، هوش مصنوعی و خدمات نوین ارتباطی، دیگر صرفاً موضوعاتی فنی نیستند، بلکه به حوزه‌هایی راهبردی با آثار مستقیم حقوقی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده‌اند. هرچه وابستگی جامعه به زیرساخت‌های ارتباطی بیشتر شود، مسئولیت اشخاص و نهادهای فعال در این عرصه نیز سنگین‌تر خواهد شد. در چنین شرایطی، رعایت استانداردهای فنی، تنظیم قراردادهای دقیق، حفاظت از داده‌ها، پیش‌بینی ریسک‌ها، مستندسازی اقدامات و استفاده از نظرات کارشناسی تخصصی، لازمه توسعه پایدار فناوری است. آینده نظام حقوقی در حوزه ارتباطات، نیازمند فهم عمیق از فناوری و آینده نظام فنی، نیازمند توجه جدی به مسئولیت حقوقی است. پیوند میان دانش مهندسی و حقوق، همان نقطه‌ای است که می‌تواند از بروز اختلافات گسترده جلوگیری کرده و در صورت وقوع اختلاف، مسیر رسیدگی عادلانه را هموار سازد.

مسئولیت حقوقی سیستم‌های هوشمند ساختمان

می‌گردد. لذا تنظیم قرار کارشناسی در خصوص این سیستم ساختمانی اهمیت ویژه‌ای دارد.

صادرکننده قرار کارشناسی باید توجه نماید که این سیستم یک ماهیت ذاتی دارد که شامل تجهیزات سیستم کنترل هوشمند، مسیرهای ارتباطی، نرم‌افزار کنترلی و برنامه‌نویسی می‌باشد. در کنار این موارد، سیستم کنترل هوشمند به دلیل آنکه برای مدیریت، کنترل و بهره‌برداری از تأسیسات ساختمان نصب می‌شود، می‌تواند بر تأسیسات و تجهیزات ساختمان نیز تأثیرگذار باشد.

به دلایل ذکر شده، عملکرد غیرصحیح سیستم کنترل هوشمند ساختمان می‌تواند به‌صورت مستقیم تأسیسات ساختمان و به تبع آن کیفیت عملکرد آنها را تحت‌الشعاع قرار دهد. با هر تمه باتر به افراد، لوازم داخل ساختمان و سایر تجهیزات داخل ساختمان آسیب برساند. ازاین‌رو، بهتر است تدوین‌کننده قرار کارشناسی متناسب با نوع نیازمندی خود به اخذ نظر به کارشناسی، گمستردگی نفوذ و تأثیرگذاری سیستم کنترل هوشمند در ساختمان را مورد توجه قرار دهد.

■ **طراحی سیستم کنترل هوشمند ساختمان در نظریه کارشناسی**

تجهیزات و لوازم کنترل هوشمند ساختمان با برندهای مختلف و پروتکل‌های متفاوت از جمله KNX·LON·BACnet· Zigbee·و... تولید می‌شوند. اصالت و صحت عملکرد این تجهیزات در موضوع کارشناسی اهمیت ویژه‌ای دارد که کارشناس رسمی و صادرکننده قرار باید به آن توجه داشته باشند. علاوه بر آن، طراحی‌های مرتبط با کنترل هوشمند در ساختمان نیز اهمیت بسیاری دارد. طراحی تأسیسات الکتریکی و مکانیکی ساختمانی که در آن سیستم کنترل هوشمند مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید زیرساخت‌های مناسب پیاده‌سازی این سیستم کنترلی را برآورده سازد. طراحی نامناسب و بی‌توجهی به الزامات و استانداردها و مقررات مربوطه می‌تواند در عملکرد بهترین تجهیزات تأسیساتی ساختمان و لوازم کنترل هوشمند ساختمان نیز اختلال ایجاد نماید. لذا کارشناس رسمی در کنار تمامی بررسی‌های خود، به طراحی تأسیسات عمومی ساختمان نیز توجه نماید.

طراحی یک سیستم کنترل هوشمند ساختمان در مرحله دوم مورد توجه کارشناس رسمی و صادرکننده قرار کارشناسی

مصرف انرژی و غیره، شرایط محیطی داخل ساختمان را تأمین می‌نماید و با کنترل روشنایی، تیروسانی، آسانسور، برق اضطراری و غیره، تأسیسات الکتریکی ساختمان را پایش می‌نماید. در نهایت، هدف اصلی سیستم کنترل هوشمند کاهش مصرف انرژی با افزایش سطح آسایش است.

در کنار تمامی موارد ذکر شده، یکپارچه‌سازی سیستم‌های کنترل تردد، اینترنت کام، صوتی، تصویری، ایمنی، اعلام حریق، دزدگیر، دوربین مداربسته و سایر تجهیزات جریان ضعیف ساختمان، یک مجموعه به‌هم‌پیوسته کنترلی را به وجود می‌آورد. مطابق موارد ذکر شده، تمامی تجهیزات و تأسیسات یادشده جزئی از تخصص‌های کارشناسان رسمی تأسیسات ساختمان بوده و لذا آگاهی کارشناسان به تمامی تجهیزات تأسیساتی ساختمان ضروری است.

■ **نکات اصلی در کنترل هوشمند ساختمان**

در قرارداهای کارشناسی مربوط به سیستم کنترل هوشمند ساختمان، چند نکته اساسی باید مد نظر قرار گیرد. مهم‌ترین این نکات به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود. این نکات ارتباطی به نوع قرار کارشناسی اعم از دعاوی حقوقی، تأمین دلیل و سایر قرارداهای کارشناسی ندارد:

۱. نوع سیستم کنترلی
۲. پروتکل ارتباطی
۳. نرم‌افزار برنامه‌نویسی و کنترلی
۴. تجهیزاتی که کنترل و پایش می‌شوند
۵. میزان یکپارچه‌سازی با سایر سیستم‌ها

پس از دانستن اطلاعات فوق، بر اساس نوع قرار یا دعوی مطرح شده، تجهیزات به کاررفته در تأسیسات ساختمان، نقشه‌های اجرایی و چون ساخت، برنامه‌نویسی انجام شده، نوع کنترل در سیستم‌های کنترل هوشمند باید مورد توجه قرار گیرد. کارشناس رسمی باید تسلط مناسب بر انواع سیستم‌های کنترل هوشمند و نقاط قوت و ضعف آنها و نحوه برنامه‌ریزی آنها داشته و الزامات هر یک را بداند. نکته مهم این است که اغلب اطلاعات و مستندات این نوع قرارداهای کارشناسی به زبان انگلیسی است.

■ **سؤالات اساسی در تدوین قرار کارشناسی**

سیستم کنترل هوشمند ساختمان یک تجهیز جدیدالورود و استاندارد شده در تأسیسات الکتریکی ساختمان است که در سال‌های اخیر در مجتمع‌های بزرگ و خاص مورد استفاده قرار

سرنوشت دارایی‌های دیجیتال پس از فوت مالک



نگین شکوه‌زند

عضو مرکز «وکلا کارشناس رسمی و مشاوران خانواده» قوه قضائیه

در گذشته، هنگامی که‌ از ارث و میراث سخن گفته می‌شد، ذهن افراد به سمت خانه، زمین، خودرو، طلا، پول نقد و سایر دارایی‌های ملموس می‌رفت، اما تحولات فناوری در دو دهه اخیر باعث شده است که بخش مهمی از دارایی افراد در فضای مجازی شکل بگیرد. امروز بسیاری از افراد دارای حساب‌های کاربری ارزشمند، کیف پول‌های رمزآزری، صفحات تجاری در شبکه‌های اجتماعی، دامنه‌های

اینترنتی، آثار دیجیتال و حتی درآمدهای آنلاین هستند. پرسش مهم این است که پس از فوت یک شخص، تکلیف این دارایی‌ها چه می‌شود

و آیا وراث می‌توانند نسبت به آنها ادعای حق داشته باشند؟

اموال دیجیتال به مجموعه‌ای از دارایی‌ها و حقوقی گفته می‌شود که در بستر الکترونیکی و فضای مجازی وجود دارند. این دارایی‌ها می‌توانند ارزش اقتصادی مستقیم داشته باشند یا از نظر معنوی و تجاری برای مالک آنها مهم باشند. برای مثال، صفحه‌ای در شبکه‌های اجتماعی با صدها هزار دنبال‌کننده ممکن است ارزش مالی قابل توجهی داشته باشد. همچنین کیف پول رمازری یک فرد می‌تواند حاوی دارایی‌هایی باشد که ارزش آنهاز بسیاری از اموال سنتی بیشتر است.

حقوق ایران در زمینه ارث، عمدتاً بر مبنای قواعد سنتی مالکیت تدوین شده است. قانون مدنی زمانی نوشته شد که مفهومی به نام حساب کاربری، دارایی دیجیتال یا رمازر وجود نداشت. بااین حال، اصول کلی حقوقی این امکان را فراهم می‌کند که بسیاری از دارایی‌های دیجیتال نیز جزء تر که متوفی محسوب شوند. هر مالی که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابلیت انتقال داشته باشد، اصولاً می‌تواند در زمره اموال قابل ارث قرار گیرد.

یکی از چالش‌های مهم در این حوزه، مسئله دسترسی است. فرض کنید فردی مقدار قابل توجهی رمازر در اختیار داشته باشد، اما اطلاعات کیف پول دیجیتال یا رمزهای عبور خود را در اختیار هیچ شخصی قرار نداده باشد. در چنین شرایطی، حتی اگر از نظر حقوقی وراث مالک آن دارایی شوند، در عمل امکان دسترسی به آن وجود نخواهد داشت. این موضوع سبب شده است که برخی حقوقدانان از مفهوم «وصیت دیجیتال» سخن بگویند، یعنی فرد در زمان حیات، نحوه دسترسی به دارایی‌های مجازی خود را مشخص کند.

مسئله دیگر مربوط به حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی است. بسیاری از شرکت‌های بزرگ فناوری سیاست‌های خاصی درباره حساب کاربران متوفی دارند. برخی این حساب‌ها حذف می‌شوند، برخی به حالت یادبود درمی‌آیند و برخی دیگر تحت شرایطی را اختیار بازماندگان قرار می‌گیرند. در نتیجه، وراث علاوه بر قوانین داخلی، با مقررات شرکت‌های خارجی نیز مواجه هستند؛ مقرراتی که گاه با نظام حقوقی کشورها تفاوت دارد.



از منظر اقتصادی نیز اهمیت این موضوع روزبه‌روز بیشتر می‌شود. امروزه کسب‌وکارهای زیادی بر پایه صفحات اینستاگرامی، وبسایت‌ها و فروشگاه‌های اینترنتی اداره می‌شوند. در بسیاری از موارد، ارزش اصلی کسب‌وکار نه در تجهیزات فیزیکی، بلکه در اعتبار برند دیجیتال و معاطبان آن نهفته است. بنابراین فوت مالک می‌تواند پرسش‌های متعددی درباره مدیریت و مالکیت این دارایی‌ها ایجاد کند.

در کنار جنبه‌های مالی، مسئله حریم خصوصی نیز مطرح است. آیا وراث حق دارند به تمام مکاتبات، تصاویر و اطلاعات شخصی متوفی دسترسی داشته باشند؟ از یک سو، وراث برای تعیین وضعیت دارایی‌ها نیازمند اطلاعات هستند و از سوی دیگر، احترام به حریم خصوصی اشخاص حتی پس از مرگ نیز از ارزش‌های مهم حقوقی و اخلاقی محسوب می‌شود. یافتن تعادل میان این دو مصلحت، یکی از چالش‌های نظام‌های حقوقی در سراسر جهان است.

برخی کشورها در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند قوانین مشخصی درباره ارث دیجیتال تدوین کنند. این قوانین معمولاً نحوه دسترسی وراث، حدود اختیارات آنها و تکالیف شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی را تعیین می‌کنند. در ایران نیز با گسترش اقتصاد دیجیتال، ضرورت توجه قانونگذار در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود.

توجه قانونگذار به این مفهوم دارای در قرن بیست‌ویکم دچار تحول اساسی شده است. امروزه بخشی از ثروت اشخاص نه در گامودنق‌ها و حساب‌های بانکی، بلکه در فضای مجازی نگهداری می‌شود. حقوق نیز ناگزیر است خود را با این تغییرات هماهنگ کند. همانگونه که قانون در گذشته توانست خود را با پدیده‌هایی مانند شرکت‌های تجاری، اسناد الکترونیکی و تجارت اینترنتی تطبیق دهد، اکنون نیز باید پاسخگوی پرسش‌های جدید درباره اموال دیجیتال باشد.

در نهایت، آگاهی عمومی نسبت به این موضوع اهمیت فراوانی دارد. افراد باید بدانند که دارایی‌ها دیجیتال آنها نیز بخشی از میراث‌شان محسوب می‌شود و لازم است برای مدیریت آنها پس از فوت برنامه‌ریزی کنند. تنظیم وصیتنامه، ثبت اطلاعات ضروری در محل امن و تعیین تکلیف دارایی‌های مجازی می‌تواند از بروز اختلافات و مشکلات فراوان برای بازماندگان جلوگیری کند.

ارث دیجیتال دیگر یک موضوع متعلق به آینده نیست؛ بلکه مسئله‌ای است که همین امروز در برابر نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. هرچه نقش فناوری در زندگی انسان پررنگ‌تر شود، اهمیت پاسخ‌های حقوقی به این پرسش‌ها نیز افزایش خواهد یافت. شاید زمان آن رسیده باشد که در کنار اموال سنتی، نگاه جدی‌تری به میراث دیجیتال نیز داشته باشیم؛ میراثی که هر روز ارزشمندتر می‌شود و قانون باید بیش از گذشته آن را به رسمیت بشناسد.